

فصلنامه بین المللی قانون یار

License Number: 78864 Article Cod: 2019Y3N10A8 ISSN-P: 2538-3701

تبیین بنیادین مقتضای «اصل صحت» با رویکردی نوین در احکام قضا

(تاریخ دریافت ۱۳۹۸/۰۲/۱۵، تاریخ تصویب ۱۳۹۸/۰۶/۱۲)

امین حسنونند

دانش آموخته بورسیه حقوق دانشکده حقوق دانشگاه امام حسین علیه السلام

چکیده

قاعده یا اصل صحت و به اصطلاح فقها «اصالة الصحة» بی گمان از اصول بنیادین تدوین نظم منطقی مدنی است که در قالب امارات قانونی خودنمایی می کند تا جایی که فرهنگ استعمال این اصل را می توان در متون کهن فقه امامیه جست. با مراجعه و تتبع در آیات، روایات و متون غنی حقوقی در می یابیم که اسلام فطرت آدمی را بر پاکی و درستی می داند و دستور می دهد که احکام و اعمال دیگران حمل بر صحت گردد بدان معنا که اصولاً هر فعلی را مشروع و حلال تلقی کند مگر دلیلی به اثبات خلاف آن بر کرسی نشاند. اصالة الصحة بر مبنای طبیعت و سیرت بشریت ترسیم و مبتنی بر مصالح مطلق بنا شده است. در جدال بی امان مدعی و منکر در سایه ادله متعارض، مسائل پیچیده ای بر کرسی دادرسی سوار می شود که قضا در اکثریت میادین به یقین یا ظن نزدیک به آن نمی رسد تا جایی که قضا را سرگردان و مانع از تشخیص سره از ناسره می گردد. منتها علم حقوق در این دایره تنگ نتیجه گیری های منطقی محصور نمی ماند. چرا که حرکت تمام قواعد به سمت عدالت است و هرگاه منطق راه این سیر روحانی را بپذیرد خود را بی اعتبار می کند. مفروض است در بازی ادله، سرانجام مصلحت و نیاز، اصل و منطق را به بازی می گیرد تا از فراز آن می گذرد. یکی از اهرم هایی که مسیر پر تلاطم قاضی را تسکین می دهد اصل صحت است. قانون مدنی ایران به تبعیت از فقه امامیه اصل صحت را به صراحت پذیرفته و احکام خاص آن را در مواردی محصور جای داده است.

واژگان کلیدی: اصالة الصحة، رویه قضایی، منطق، اصول عملی، فقه امامیه



اصالة الصحة^۱ یکی از مستندات مسلم فقهی است که در عرف جاری معاملات و رویه^۲ حاکم بر دادگاه ها کاربرد خاص دارد تا جایی که استعمال این قاعده در کلام فقها و قضات محاکم ملموس است. قانون مدنی ایران در ماده ۲۲۳ خود این اصل را به تبع فقه کهن شیعه پذیرفته و احصا نموده است. مفاد ماده ۲۲۳ قانون مدنی بی گمان یک قاعده موضوعی نیست و مقنن نمی خواهد حکمی مستقل بنا نهد که رابطه آن را با ظاهر و غلبه ای که انگیزه صدور حکم قرار گرفتند قطع کند به همین جهت صحت اعتبار این اصل تا جایی معتبر است که خلاف آن ثابت نشود بخش اخیر این ماده مزبور مقرر می دارد: (... مگر اینکه فساد آن معلوم شود). نشان می دهد که فرض درست بودن معامله مبتنی بر ظاهر و کشف واقعیت است و هر جا ثابت شود حکم ماده با ظاهر و مبنایش تعارض دارد از اثر می افتد. بنابراین تمیز ماهیت قاعده مندرج در ماده ۲۲۳ قانون مدنی بدین سوال باز می گردد که آیا اصل صحت در معاملات اماره^۳ ای است قانونی یا اصلی عملی...؟ یک قاعده فقهی ممکن است در ابواب مختلف فقهی جاری گردد و قاضی در مورد فقدان نص خاص قانونی و شرعی، آن را به عنوان دلیل به کار گیرد. یکی از این مجاری محرز ترجیحی اصل صحت است که در این زمینه آخوند خراسانی می فرماید: معنای ظاهری صحت نزد همه اصولیین یکی است و آن تمامیت است که تفسیر این تمامیت هم، اسقاط قضا نزد فقها یا موافقت با شریعت نزد متکلمین است. در ادامه با تمسک به عام شبهات مصداقیه به واشکافی و ریزنگری دقیق اصالة الصحة در اقوال، قراردادهای^۴ و حدود جاری آن در رویه دادگاه ها و قوانین کشور می پردازیم.

-
1. Presumption of rality of contracts
 2. Procedure
 3. Presumption
 4. Contract



بیان مسئله

در مدلول اصل صحت که آیا هنگام تردید در نفوذ یا عدم نفوذ عقد می توان از اصل صحت استفاده کرد یا خیر یا اصل صحت صرفاً بر فاسد بودن عقد دلالت می کند یا نفوذ عقد را هم نتیجه می دهد و مفاد آن اعلام رضایت معتبر طرفین است محل تأمل است. به عبارتی عدم اکراه، وجود رشد و رضایت ذی حق را باید با ظاهر یا اصول دیگر احراز کرد تا موضوع اصل صحت فراهم آید. در این قسمت از پژوهش لازم است برای توجیه استناد قضات به اصل صحت، حدود و شرایط اعمال اصل مدت در معاملات مشخص و رد شبهه گردد که اصل صحت در چه مواردی اعمال می گردد؟

آیا این اصل در عقود و ایقاعات جاری است؟ آیا متعاملین حین عقد بالغ بوده اند؟

یا اینکه آیا اصل صحت در تمامی ابواب فقهی مدنی قابل اعمال است؟ گاهی معامله واقع شده و یکی از طرفین مدعی صوری یا نامشروع بودن آن است در این زمینه رأی شماره ۱۴۶-۱۳۱۷/۶/۲۰ دیوان عالی کشور با احراز صحت انتساب نوشته که حاکی از وقوع معامله است معامله را صحیح فرض و مدعی فساد را ملزم به ارائه دلیل کرده است. اصل صحت برای استواری و تحکیم روابط معاملات اشخاص و پیشگیری از تزلزل و بی اعتباری قرارداد مقرر است. در ادامه پژوهش با تمسک به شناسه ماهیتی اصل صحت، به تشریح عملی این اصل در رویه جاری می پردازیم.

بخش اول: معنا و مفهوم اصل صحت

اصل در لغت مدرک قانونی اعم از آیه یا حدیث یا اجماع را گفته اند که در تعریف لغوی آن آمده است:



«اصل الشيء أساسه الذي يقوم عليه و منشأ الذي يثبت منه» اصل هر چیزی آن است که آن چیز بر آن بنا شده و منشأیی است که آن چیز از آن نمو یافته است. علی اکبر دهخدا آورده است: اصل هر چیز آن است که وجود آن چیز به وی وابسته باشد. در فرهنگ عربی معنی لغوی صحت را سالم بودن جسم و بی عیب و شک بودن آن دانسته اند. در فرهنگ فارسی صحت را تن درستی و اصل حمل فعل مسلم بر صحت، قاعده صحت، اصالة الصحة در کار دیگری همگی اسامی یک قاعده هستند صحت و مرض از کیفیاتن نفسانی هستند و صحت را به ملکه و حالتی تعریف کرده اند که از فاعل آن افعال سلیمه صادر می شود. در فرهنگ حقوقی نیز چنین آمده است: صحت یک عمل حقوقی عبارت است از این که آن عمل مطابق شرایط قانونی واقع شده باشد. صرف نظر از تعاریف فوق، در فرهنگ حقوقی در خصوص اصل صحت چنین آورده شده است: به موجب این اصل، در عقود و ایقاعات، فرض قانون بر صحت آنهاست و مدعی فساد باید دلیل بر فساد را اقامه کند. اصل صحت در معاملات که اخص از عقود است. در ماده ۲۲۳ قانون مدنی پیش بینی شده ولی ملاک آن شامل تمام عقود و ایقاعات است. از منظر قانون مدنی ایران و قضات دادگاه هر معامله که واقع شده باشد محصول بر صحت است مگر اینکه خلاف آن ثابت شود. این قاعده که در حقوق ایران به اصل صحت شهرت دارد ماهیتاً جز امارات قانونی شمرده می شود. زیرا اصولاً قراردادهایی که بین افراد واقع می شود صحیح است و قانونگذار نیز بر اساس همین غلبه مفروض می گیرد که هر قراردادی که ظاهراً منعقد شده است واقعاً صحیح است.

بند اول: ماهیت اصل صحت

در کش و قوس متعاملین و تعارض ادله شباهت اصل و اماره چندان است که گاه متخصصان این دو را به جای هم می گیرند. هر دو در مقام فصل دعوا و استنباط حکم به کار می روند و



ارزش هیچکدام با سایر دلایل برابر نیست. به کار بردن اصل هنگامی رواست که دلیل دیگری وجود نداشته باشد (الاصل دلیل حیث لادلیل له) و اماره نیز در صورتی اعتبار دارد که دلیلی برخلاف آن نباشد وانگهی در هر دو مورد مصلحتی مقرر است که مدنظر مقنن است. در مقام تعارض اماره و اصل، قطعاً اماره مقدم است. حکم ماده ۲۲۳ قانون مدنی از همین نوع است. وقوع معامله در دید عرف دلالتی بر درستی تمام ارکان آن در نظر قانون نمی کند و اعلام می دارد: هر معامله که واقع شده باشد محصول بر صحت است مگر اینکه خلاف و فساد آن ثابت شود. علیحال در خصوص ماهیت اصل صحت اختلاف و تشتت آرا و نظرات متفاوت است که در ادامه مقاله به گزیده ای از نظرات مشهور فقهی حقوق رجوع می کنیم:

* مشهور فقیهان قاعده صحت را یک اماره می شناسند.

* دکتر محقق داماد معتقد است که قاعده صحت یک اماره است.

* دکتر شهیدی مطرح می کند اصل صحت یک اماره است حتی می توان آن را به عنوان

یک قاعده حقوقی تلقی کرد.

* دکتر کاتوزیان اصالة الصحة را یک اصل (اصول عملیه) توجیه می کند.

* صاحب قوامع الفضول اصالة الصحة را یک اصل معرفی می کند.

* شیخ انصاری قاعده صحت را یک اصل می داند.

* دکتر لنگرودی بیان می دارد که اصالة الصحة یک اصل است.

فاضل دربندی در کتاب «خزائن الاحکام» به تفسیر مطلق اصالة الصحة پرداخته و آورده

است:

«اصالة الصحة يك اصل جداگانه و قاعده مستقلي است و از فروع قاعده حمل فعل مسلم بر صحت تلقی نمی گردد زیرا مدارك و موارد اصالة الصحة و حمل فعل مسلم بر صحت كاملاً با هم فرق می کند و نسبت به این دو عموم و خصوص من وجه است...» نتیجه اینکه اصالة الصحة قاعده فقهی است که در تمام ابواب فقه جاری می شود و فراتر از یک مسئله فقهی است.

بخش دوم: شك در بطلان یا صحت عقد

در حقوق مدنی ایران و رویه عملی قضات دادگاه مجرای اصلی اصل صحت جایی است که وقوع ظاهری قرارداد محرز باشد و شك کنیم آیا عقد به دلیلی باطل یا غیرنافذ محسوب می شود یا خیر. بنابراین اگر وقوع ظاهری قرارداد محرز نباشد اصل صحت جاری نمی گردد و با اتکا به این اصل نمی توان شك در وقوع معامله را رد کرد چرا که به وقوع ظاهری قرارداد تردید شده است. در علم حقوق مشهور است که اصل صحت با اصل عدم در مجاری خود به تعارض نمی رسند زیرا مجرای این دو قاعده با هم متفاوت است وقتی شك گردد که اساساً قرارداد به طور ظاهری واقع شده یا نه، باید به اصل عدم تمسك جست به این صورت که مطلقاً قراردادی واقع نشده است. اما چنانکه در وقوع ظاهری قرارداد تردید نداشته باشیم و تنها ظن و تردید نسبت به بطلان یا صحت قرارداد باشد نوبت به اجرای اصل صحت می رسد با این استدلال است که اصل صحت با عدم به تعارض نمی رسد یکی دیگر از اصولی که برای قضات در این وادی می تواند راه گشا باشد اصل تأخر حادث است. چنانچه بر میز دادرس پرونده ای سوار شود که تقدم و تأخر خواسته متفاوت باشد قاضی به استناد اصل تأخر حکم به صحت قرارداد می دهد. فرض کنیم دو عامل رخ داده است که اگر یکی از آنها زودتر رخ داده باشد قرارداد صحیح است و اگر دیگری زودتر رخ داده باشد قرارداد باطل است. در این



صورت اگر تاریخ وقوع هر دو حادثه مشخص باشد طبیعتاً قاضی مشکلی در صحیح یا باطل دانستن قرارداد ندارد اما اگر تاریخ یکی از این حوادث معلوم و تاریخ دیگری مجهول باشد قاضی با استناد اصل تأخر حادث، حادثه‌ی با تاریخ مجهول را مؤخر فرض کرده و نسبت به صحت وقوع قرارداد رأی می‌دهد.

بند اول: شک در نفوذ یا عدم نفوذ عقد

چنانچه در قرار دادن محرز شود یکی از متأهلین صغیر بوده و اهلیت اجرای قرارداد را نداشته است و شک حاصل شود که آیا حین انعقاد عقد رشید بوده است یا خیر، مطلقاً نمی‌توان به اصل صحت رجوع کرده و قرارداد را تنفیذ کرده در فرضی دیگر چنانچه معامل صغیر باشد و شک گردد که ممیز است یا غیر ممیز اصل صحت را نمی‌توان جاری کرد و با استناد به اصل استصحاب صغیر را غیر ممیز تلقی در دو معنا حمل کرد که در یک معنا صحیح و در معنایی دیگر باطل یا غیر نافذ است. بطور کلی هرگاه وقوع معامله‌ای مستلزم شرایط اختصاصی مقدماتی باشد وقوع این شرایط باید احراز گردد چرا که رأساً با اتکا بر اصل صحت نمی‌توان حکم بر تنفیذ داد.

بخش سوم: اصل صحت در شبهه حکمی

در بحث اصل صحت سوال مهمی که به ذهن متبادر این است که مجرای اصل صحت در شبهات حکمیه است یا موضوعیه؟ یا هر دو؟ شبهه حکمی زمانی حاصل می‌شود که شک ما به دلیل اشتباه در حکم شرعی باشد که منشأ این اشتباه هم ممکن است برای عدم دلیل معتبر یا اجمال دلیل یا تعارض دلیلین باشد. بحث شبهات حکمیه در فصل برائت بررسی می‌شود و خلاصه آن این است که وقتی در وجود حکم تردیدی شود محل اجرای اصل برائت است در خصوص محل اجرای اصل صحت در شبهات حکمیه یا موضوعیه محل اختلاف بسیار است



در حقوق ایران دکتر کاتوزیان کاربرد اصل صحت را هم در شبهه های حکمیه و هم موضوعیه می داند در مقابل مشهور فقها محل اجرای اصل صحت را در شبهات موضوعیه می دانند. در این مقطع منظور از شبهه مکفی این است که در مقام اعتبار یک قرارداد که در نظام حقوقی شک کنیم یا چنانچه قرارداد با قانون در تعارض باشد در آمده یا تکمیلی بودن قانون تردید گردد که طی آن حکمی عام در خصوص قابلیت تجدیدنظر وارد شده است. متعاقباً حکم خاصی صادر شده است که رأی و موضوع خواسته جزئاً تشخیص یافته است. حال قاضی پرونده هنگام صدور رأی دچار تردید می شود که آیا موضوع خواسته مصداق تشخیص خاص واقع شده است یا خیر به تبع این فرضیه ها قاضی گاهاً سراغ اصل صحت می رود که بتواند خود را از تحیر برهاند.

بند اول: اصل صحت در شبهه موضوعی

شبهه موضوعی خود به دو قسم مفهومی و مصداقیه تقسیم می شود که بطور اخص تشریح می کنیم:

شبهه موضوعی زمانی جاری می شود که حکم عامی حاکم باشد فرض اینکه قانونی از مقام بالاتر صادر شود که احترام به دانشمندان واجب است متعاقباً حکم خاصی غالب گردد که احترام به دانشمند فاسق جایز نیست مجری حکم هنگام اجرای حکم تردید می کند که مراد از فاسق کیست؟ آیا فاسق کسی است که مرتکب گناه کبیره شود یا اگر دانشمندی مرتکب گناه صغیره هم شود به او فاسق گفته می شود و در نتیجه احترام به او جایز نیست شبهه مفهومی قسمی از شبهه موضوعیه است در واقع نوعی شبهه حکمیه است چرا که زمانی که طول و عرض شبهه موضوعیه مشخص نباشد به ناچار سر از شبهه حکمیه در می آورد در فرض فرق همین که نمی دانیم مراد از فسق کیست (مرتکب کبیره یا مرتکب گناه حتی صغیره) در واقع



معنای فسق را نمی دانیم. شاید به همین دلیل است که بعضی از بزرگان در توضیح انواع شبهه فقط تقسیم شبهات به حکمیه و موضوعیه را مطرح و معترض شبهه مفهومیه نشده اند.

بند دوم: شبهه موضوعیه

در این نوع از شبهه تردید در جهل به حکم نیست تردید در اشتباه در امور خارجیه است. فرضاً حکمی عام از مقام مافوق صادر شده است که احترام به دانشمندان واجب است تبعاً حکمی خاص صادر گردد که دانشمندان فاسق را احترام نکن. مجری حکم، حکم را می داند که احترام دانشمندان الا دانشمندان فاسق واجب است با این حال هنگام اجرای حکم تردید دارد که آیا زید دانشمندان جز افراد عالم است که او را احترام کند یا جز افراد فاسق که مشمول حکم عدم احترام باشد. به عبارت صریح تر مراد از شبهه موضوعی این است که در حکم قانونگذار مطلقاً تردیدی نداریم و صرفاً شک می کنیم که آیا در مورد یک معامله خاص عاملی برای بطلان قرارداد تحقق پیدا کرده است یا خیر. به این صورت که می دانیم معامله صوری باطل است چنانکه شک کنیم معامله ای که ظاهراً واقع شده ضروری بوده یا خیر چنین شبهه ای، شبهه موضوعیه خوانده می شود. همانطور که پیشتر اشاره شد در خصوص کاربرد اصل صحت در شبهات اختلاف بسیار است آن چنان که گروهی مجرای اصل صحت را در شبهات حکمی و موضوعی می دانند و در مقابل عده ای اصل صحت را یک اماره موضوعی خوانده که فقط در شبهات موضوعی حاکم است.

بخش چهارم: واکاوی احکام استنادی به اصالة الصحة در آرا دیوان عالی

کشور

■ **ارتباط اصل صحت با ماده قانون مدنی**



متن ماده ۱۰ قانون مدنی به این شرح است: «قراردادهای خصوصی نسبت به کسانی که آن را منعقد نموده اند در صورتی که مخالف صریح قانون نباشد نافذ است» مهمترین سوالی که به ذهن مخاطب متبادر می شود این است که آیا برای اجرای اصل صحت می توان در عقودی که پاره ای از شرایط اختصاصی را ندارند با تمسک به ماده ۱۰ قانون مدنی آن را صحیح انگاشت؟ دکتر کاتوزیان با تمسک به ماده ۱۰ قانون مدنی رأی به تنفیذ این عقود می دهند در مقابل دکتر شهیدی اعتقاد دارند: «جاهایی که عقد معین است، نمی توان به ماده ۱۰ قانون مدنی تمسک کرد چون لازمه آن این است که تمام مقررات قانونی مربوط به شرایط عقود معین را برچیده با توجه به جایگاه مهم اصل صحت در قوانین جاری کشور و استنادات مستمر قضات در احکام صادره موارد مهم قوانین و آرای که به اصل صحت متمسک شده اند را تشریح می نمایم.» گاهی معامله ای واقع شده و یکی از طرفین، مدعی صوری یا نامشروع بودن آن معامله است. در این مورد رأی شماره ۱۴۶۵-۱۳۱۷/۶/۲۰ دیوان عالی کشور با احراز صورت انتساب نوشته که حاکی از وقوع معامله باشد معامله را صحیح دانسته و مدعی فساد را ملزم به ارائه دلیل کرده است. در خصوص معامله ای که با مال غیر انجام شده است دیوان عالی کشور در رأی شماره ۲۳۵۲-۱۳۱۹/۷/۲۸ این معامله را غیرنافذ معرفی کرده است زیرا اصل صحت زمانی اجرا می شود که اصل معامله محقق باشد و محتوای عمل مورد تردید واقع شود نه اینکه اصل تحقق عقد را با اصل صحت بتوان سازماندهی کرد. در خصوص مجرای اصل صحت در اتصال اموال به قانون مالیات های مستقیم مصوب سال ۱۳۴۵ گریزی می زنیم. ماده ۱۸۰ قانون مالیات های مستقیم انتقال پاره ای از اموال به همسر و نزدیکان را صوری و نشانه فرار از پرداخت مالیات دانسته است و اصل صحت را در آن قابل اعمال نمی داند متن این چنین است: انتقال املاک و کارخانه ها و سهام با نام به اولاد، پدر، مادر، زن با شوهر به هر عنوان که باشد



و وقف خاص آنها برای اشخاص مذکور، در حکم انتقال از طریق ارث تلقی می شود و کلاً مشمول مالیات بر ارث خواهد بود. از آنجا که تبصره یک این ماده، پرداخت مالیات را بر عهده انتقال گیرنده می داند معلوم می شود که اصل معامله صحیح است ولی هدف، گرفتن مالیات بوده است گرچه نظام حقوقی کشور را دچار اختلال می کنند. در خصوص این که اصل صحت جایی اعمال می شود که صحت از نهاد یا اصول دیگر حاصل نشود دکتر شهیدی می گوید: «اصل صحت را جایی می توان استعمال نمود که اصل صحت از نهاد یا اصول دیگر و یا ظواهر دیگر استنباط نگردد و الا نهادی زاید خواهد بود. وقتی در وقوع اشتباه در ماهیت مورد عقد تردید شود پیش از آن که از اصل صحت، صحت آن عقد استنباط شود اصل عدم اشتباه آن عقد را تصحیح می نماید و نیازی به اصل صحت نیست. اصل عدم اشتباه، اصل سببی است و نوبت به اصل سببی (صحت) نمی رسد ولو اینکه در معنی این دو اصل، تعارضی در کار نیست، چرا که تردید در صحت ناشی از تردید در وقوع یا عدم وقوع اشتباه است و از طرفی اشتباه از موانع عقد است و در صورت تردید در وجود مانع، از اصل عدم مانع یا ظهور، انطباق ماهیت مقدور یا واقع، صحت عقد نتیجه می شود زیرا ظاهر این است که طرف عقد، فقط از اصل صحت می توان بهره گرفت زیرا اصل، عدم معلوم بودن مورد معامله است که نتیجه آن، بطلان عقد است و این اصل در تعارض با اصل صحت، از دور خارج می گردد.»

■ ماده ۲۰۶ قانون مدنی اشعار می دارد: اگر کسی در نتیجه اضطرار اقدام به معامله کند مکره مصوب نشده و معامله اضطراری معتبر خواهد بود. رأی شماره ۲۱/۱۳۶۶-۶۷/۱۲/۲۰ شعبه ۲۱ دیوان عالی کشور در این مورد چنین آورده است: «آنچه را که وکیل خواهان در خصوص بی اعتباری و بطلان قرارداد دعاوی مورخ ۶۴/۱۰/۱۱ با تغییر نحوه خواسته در جلسه داوری مورخ ۶۷/۶/۵ عنوان نموده و اظهار داشته است که موکل برای رهایی از زندان و به



لحاظ آشفته‌گی زندگی و اختلال وضع شغلی تن به امضا قرارداد مزبور داده است، در فرض صحت می‌تواند وجود اضطراب در انجام تلقی گردد.»

که مستند به ماده ۲۰۶ قانون مدنی و نظر مشهود فقط از موجبات فساد و بطلان معامله و خدشه در قصد و رضا محسوب نمی‌شود بنابراین نظریه استنباطی مورخ ۶۷/۶/۵ شعبه ۱۸ دادگاه حقوقی یک تهران که مالاً به صحت قرارداد مزبور ابراز گردیده است صحیح و موجه می‌باشد و با تأیید آن پرونده جهت انشا رأی اعاده می‌گردد.

■ ماده ی ۲۱۸ قانون مدنی می‌گوید: هرگاه معلوم شود که معامله به قصد فرار از دین به صورت صوری انجام شده است آن معامله باطل است. رأی و مدت رویه شماره ۲۹۴-۳۷/۱۰/۲۵ هیأت عمومی دیوان عالی کشور در این باره چنین می‌گوید: (ماده ۲۱۸ قانون مدنی مبنی بر عدم نفوذ معامله اصلاحی ماده ۲۸ در مورخه ۱۳۷۰/۸/۱۴ معامله به قصد فرار از دین را باطل اعلام نموده است) به قصد فرار از دین در صورتی است که دین مدیون به شخص ثالث در نظر دادگاه معلوم بوده و محقق شود به منظور فرار از تأدیه دین اقدام به معامله نموده است. مفروض است تا زمانی که شرایط معامله به قصد فرار از تأدیه دین اقدام به معامله است. مفروض است تا زمانی که شرایط معامله به قصد فرار از دین اثبات نشده معامله همچنان نافذ است.

■ ماده ۲۱۶ قانون مدنی می‌گوید: «مورد معامله باید مبهم نباشد مگر در موارد خاصه که علم اجمالی به آن کافی است» رأس ۲۴۷-۱۳۱۹/۱/۲ در این باره می‌گوید: با مشخص بودن حدود و مشخصات بیع، حکم به بطلان بیع از صحت جهل به آن نمی‌شود. همانطور که مشهود است در این ماده تعیین حد و حدود ملک مجوز اجرای اصل صحت بیع است

■ ماده ۷۹۳ قانون مدنی می گوید: «راهن نمی تواند در رهن تصرف کند که منافی حق مرتهن باشد مگر به اذن مرتهن» شعبه ۶ دیوان عالی کشور در رأی ۱۲۹۳-۱۳۲۶/۷/۲۹ مقرر می دارد: در صورتی که راهن ملک خود را به دیگری بفروشد و مرتهن طلب خود را از خریدار مطالبه نماید در حقیقت مرتهن امضا معامله ای راهن قبل از انقضای مدت رهن به عقل آمده، نموده است و بنابراین معامله راهن نسبت به ملک مرهون تجافی نبوده که منافی حق مرتهن باشد و استناد دادگاه به ماده ۷۹۳ قانون مدنی در بی اثر بودن معامله صحیح نخواهد بود. در متن و رأی فوق معامله راهن با توسل به اصل صحت صحیح انگاشته شده است.

بخش پنجم: انعکاس اصل صحت در رأی داوری

شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان تهران طی حکمی با استناد به اصل صحت رأی صادره داور را صحیح و اشعار می دارد: اصل بر اعتبار رأی داور است و دادگاه به جز موارد مصرح در قانون آیین دادرسی مدنی، حق ورود در موضوع داوری را نداشته و نمی تواند رسیدگی ماهوی نمایند. اصل استدلال رأی قاضی به شرح زیر است:

تجدیدنظرخواهی شرکت {ب. ج. ت} با وکالت آقایا {ع. الف} به طرفیت شرکت {ش. پ} با وکالت آقای {ع. ع. ب} نسبت به دادنامه شماره ۱۰۲۸-۸۹/۱۲/۱۰ شعبه ۲۱۱ دادگاه عمومی تهران که متضمن اجابت دعوای تجدیدنظر خوانده به خواسته ابطال آرا داوری ۱۳۸۵/۴/۱۰ و ۱۳۸۵/۷/۲۱ قرارداد شماره SZ/۰/۱۱ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد وارد و رأی شایسته تأیید نیست زیرا اولاً مطالب مرقوم توسط آقای وکیل تجدیدنظر خوانده درخواست بدوی، مبین این نکته است که در رأی داوری رعایت عدالت و انصاف نگردیده ولی آنچه دادگاه بدوی استنباط نموده، ابهام در رأی داوری است که با لحاظ تعبیر، قابل جمع با یکدیگر نمی باشند به این دلیل که اگر شفافیت در رأی داور وجود نداشت تشخیص عدم



رعایت و انصاف هم ممکن نبود ثانیاً وقتی طرفین قرارداد حل اختلاف ناشی از تفسیر یا اجرای قرارداد را به داوری ارجاع می نمایند در حقیقت نخواستند محاکم در موضوع مداخله کنند و احترام به اراده ی متعاملین ایجاب می نماید که دادگاه در چارچوب قانون رفتار نموده و این امر را به رسمیت بشناسد زیرا خواست متعاملین عدم مداخله محکمه بوده، ثالثاً مداخله محاکم در موضوع محدود به جایی است که بر اساس قواعد آمده قانونگذار اجازه ورود داده است در غیر این صورت ورود به حریم اراده طرفین قرارداد تلقی شده و هیچ توجیه قانونی ندارد و اگر داور بنا به خواسته متعاقدین مبادرت به صدور رأی هر چند ناعادلانه به زعم یکی از طرفین نماید، دلالت بر نقض قواعد موجد حق ندارد زیرا اراده طرفین به حل اختلاف توسط داوره بوده نه محکمه، مضافاً اینکه رأی داور همیشه قابل اجرا نیست و بعضاً به لحاظ موانع قانونی قابلیت اجرایی خود را از دست می دهد اما آنچه مسلم است اصل بر اعتبار رأی داور می باشد مگر مواردی که قانونگذار تصریح نموده و در ما نحن فیه دلیلی بر بی اعتباری رأی داور از سوی خواهان بدوی ارائه نگردیده است بنا به مراتب به استناد مواد ۳۵۸ و ۱۹۷ قانون آیین دادرسی مدنی با نقض دادنامه معترض عنه حکم به بطلان دعوی شرکت {ش.ب} به خواسته ابطال رأی داور موضوع دادخواست صادر و اعلام می نماید.

بخش ششم: تجزیه و تحلیل

در ادامه بحث از مفاد اصل صحت توجه به این نکته ضروری که اجرای اصل صحت در هر موردی بر حسب آن است به عبارتی صحت هر شی بر حسب آن است. اصل صحت هر شی بر حسب آن و آثار آن شی می باشد بنابراین اگر عقدی توسط غیر مالک جاری شود و شک نمایم که از طرف مالک مأذون بوده است یا خیر اذن یا جریان اصل صحت در انشا ثابت نمی

۱. موسوی خمینی، سیدروح الله، الرسائل، موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، ص ۳۲۷ و ۳۲۸



شود چرا که انشا زمانی حاصل می شود که سایر شروط محقق گردد. حال در مقام تجزیه و تحلیل پژوهش واکاوی این موضوع قویاً محل اعتناست که چنانچه راهن برای فروش عین موهونه از مرتهن کسب اجازه نماید و مرتهن پشیمان شود و اختلاف شود که آیا فروش مال مرهونه قبل یا پس از رجوع مرتهن صورت گرفته است آیا با استناد به اصل صحت می توان حکم به نفوذ معامله داد؟ در تمام پاسخ قطعی به این سوال وحدت نظری وجود ندارد لکن آنچه مشهور است این است که اصل صحت در این مجرا حاکم نیست چرا که اصل صحت نمی خواهد اصل تحقق ایجاب و قبول را ثابت کند و صحت هر چیز برحسب آن است. در امتداد این کند و کاش نتایج مهمی از استنادات مفروضه به اصل صحت جاری می گردد که در ادامه به نتایج کلی اجرای اصل صحت استفاده می کنیم.

بخش هفتم: نتایج کلی اجرای اصل صحت

• در صورتی که مخالفت عقد با قانون مورد تردید باشد اصل بر صحت آن است و به بهانه امکان وجود این مخالفت، نباید عقد را نادرست پنداشت. فرضاً هرگاه در درستی و نفوذ «عقد مغارسه» تردید شود باید آن را نافذ شمرد و اثبات نادرستی را به عنوان امر استثنایی به عهده مدعی فساد است.

• اگر عقد با قانون مخالف باشد و تردید شود که قانون امری است یا تکمیلی اصل صحت اقتضا دارد که قانون تکمیلی است زیرا در این صورت نفوذ قرارداد با هدف از وضع قانون تعارض ندارد این قاعده که به «اباحه قراردادی» معروف است در همه زمینه ها نباید اعتنا کرد چرا که دخالت دولت در روابط اقتصادی، بازرسی و نظارت بر قراردادها روزافزون است بدین صورت که برخی پیمان ها را از قبیل عقود تحلیلی را یکسره در اختیار دارد.



• در مواردی که عقد به ظاهر واقع شده است، کسی که مدعی صوری یا نامشروع بودن آن است باید اقامه دلیل کند برای مثال در عقد تشریفاتی هرگاه یکی از دو طرف مدعی جعلی بودن سند یا عدم اهلیت خود یا نامشروع بودن جهت معامله باشد باید ادعای خویش را ثابت کند وگرنه عقد نافذ محسوب می شود همچنین است در سایر قراردادهایی که در وقوع ظاهری آنها تردیدی وجود ندارد و ذینفعی ادعای فساد آن را می کند خواه مفاد ادعا راجع به شرایط تراضی باشد یا اهلیت و صلاحیت طرفیت یا شرایط دو عوض یا نامشروع بودن جهت معامله.

در همین راستا دیوان عالی کشور در رأی ۱۴۶۵ - ۱۳۱۷/۶/۲۰ اعلام می دارد:

«... با احراز صحت انتساب نوشته ای که حاکی از وقوع معامله باشد، فساد معامله محتاج به اثبات خواهد بود نه صحت آن.»

• در صورتی که الفاظ عقد در عرف معانی گوناگون دارد عبارت آن باید حمل بر معنایی شود که عقد درست باشد و معنایی که فساد عقد را به دنبال دارد خلاف اصل تلقی گردد.

برای مثال، می دانیم که وصیت عملی رایگان است و نمی تواند معوض باشد ولی ممکن است بر موصی له دادن مال یا انجام کاری به طور مجانی شرط شود پس اگر تردید شود که مقصود تملیک موصی به در برابر آن مال است یا موصی می خواسته که هبه مستقلی را بر موصی له شرط کند، بر مبنای اصل صحت، باید عبارت وصیت را حمل بر معنی دوم کرد. اصل صحت قراردادها در فرضی قابل اعمال است که بر حسب ظاهر عقد واقع شده باشد. فلذا از آن نمی توان برای دفع تردید در وقوع عقد و ارکان تراضی استفاده کرد. پس شک در

فراهم آمدن ارکان عقد (ایجاب و قبول موضوع) باید اثبات شود و گرنه نتیجه آن فساد است با مدنظر داشتن اصول و استثنائات فوق در موارد زیر اصل صحت جاری است:

■ ادعای تعارض بیان اراده با قصد باطنی

■ ادعای اشتباه در شخصیت طرف معامله

■ ادعای اشتباه در وصف ذاتی مورد معامله

■ ادعای اکراه در معامله

■ ادعای عدم اهلیت

■ ادعای غیرقابل بودن موضوع معامله

■ ادعای عدم مشروعیت جهت معامله

نتیجه گیری

همانطور که پیشتر اشاره شد واژه «صحت» یک معنای عام و یک معنای خاص دارد. معنای عام آن در برابر فساد و معنای خاص آن به معنای نفوذ آن تعبیر می شود همانطور که در ماده ۲۲۳ قانون مدنی صحت در برابر عدم فساد معادل سازی شده است. اصالة الصحة از جمله مستندات مهم فقهی است که در زندگی روزمره نقش مهم و کاربردی دارد که مورد استفاده فقها و قضات محاکم واقع می شود. دشواری و گستردگی اصل صحت در رویه عملی دادگاه ها چنان مبرهن است که برخی قضات اصالة الصحة را یک اصل و برخی آن را یک اماره می دانند هرچند از منظر نگارنده این پژوهش، اصالة الصحة یک «اصل» است. باگریزی در کلام فقها مشهود است به مجرد اینکه عقد «عرفا» واقع شود اصل صحت به تبع جاری است ولو وقوع



آن از نظر حقوقی محرز نباشد بنابراین وقوع عرفی عقد کافی است تا اصل صحت جاری شود چرا که با عدم وقوع عرفی، موضوعی برای ثبوت حکم بر صحت وجود نخواهد داشت و حکم صحت به تبع جاری است و حکم صحت «سالبه به موضوع انتفاع» است. حال سوال اینجاست که آیا برای اعمال اصل صحت، احراز وقوع عرفی عقد لازم است یا صرف وقوع ظاهری عقد هم کافی است؟ بزرگان حقوق مدنی ایران برای اعمال اصل صحت در قراردادهای مشکوک الوقوع، صرف وقوع «ظاهری» عقد را کافی می دانند با این مثال مشهود که معامله روی مال غیرمنقول تحقیق ظاهری دارد ولی نسبت به احتمال عدم اهلیت و سایر شرایط با اصل صحت، واقع شده تلقی می گردد.

با پژوهشی که در خصوص اصل صحت انجام شد روشن است که اگر نیاز باشد در هر مورد مشکوکی، مدعی صحت، دلیل اقامه کند، چرخه زندگی مردم فلج می شود. عقلا و اندیشمندان و مقنن برای جلوگیری از این تزلزل رأیی، با تأسیس اصل صحت، اصل اولیه را بر صحت معامله دلیل اقامه کند. در غیر این صورت اصل بر صحت معامله و نفوذ عقد ابقا می گردد و بالطبع به اصالة الفساد در معاملات توجهی نمی شود. به عبارتی ساده تر اصل صحت از فروض قانونی (اصول عملیه) است که مدرک اصل آن در شرع اسلام بنای عقلاست تا جایی که بر مضمون آن پایبند بود خواه مضمون آن جواز باشد یا لزوم و اگر لزوم آن را اثبات کردیم به طور ملازمه آن عقد صحیح هم خواهد بود.



منابع و مأخذ

- قرآن مجید، طرح و تألیف مهدی محمودیان، تهران، معاونت تربیت و آموزشی عقیدتی سیاسی سپاه
- امامی، سیدحسین، دوره حقوق مدنی (۶ مجلد)، تهران، انتشارات اسلامی، ۱۳۸۸
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر، ترمینولوژی حقوق، تهران، نشر گنج دانش، ۱۳۸۸
- جعفری، لنگرودی، محمدجعفر، دانش نامه حقوقی: دایره المعارف قوانین و مقررات آیین دادرسی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۸
- دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، انتشارات دانشگاه تهران، دانشکده ادبیات، سازمان لغت نامه، چاپ سیروس، ۱۳۳۸
- شهیدی، مهدی، تشکیل قراردادها و تعهدات، تهران، نشر حقوقدان، ۱۳۸۰
- صفایی، سیدحسین، دوره مقدماتی حقوق مدنی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳
- کاتوزیان، ناصر، حقوق مدنی، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ سوم، ۱۳۹۰
- کاتوزیان، ناصر، قانون مدنی در نظم حقوقی کنونی، تهران، نشر میزان، ۱۳۸۸
- کاتوزیان، ناصر، قواعد عمومی قراردادها، تهران، نشر شرکت سهامی انتشار، چاپ دوم، ۱۳۹۰

